

ارزیابی حس تعلق به مکان با تأکید بر عوامل کالبدی و محیطی در سواحل شهری (مطالعه موردی: ساحل بوشهر)

رضا قشقای * - گروه معماری، واحد گچساران، دانشگاه آزاد اسلامی، گچساران، ایران

خسرو موحد - گروه معماری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

حجت‌ا... محمدزاده - کارشناس ارشد شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین

پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۶/۲۹ تأیید مقاله: ۱۳۹۵/۵/۳۱

چکیده

یکی از ابعاد مهم در ارتقای کیفیت محیط‌های شهری، حس تعلق به مکان است. وجود این حس که عاملی مهم در شکل‌گیری پایه‌های ارتباطی استفاده‌کنندگان و محیط است، در نهایت منجر به ایجاد محیط‌های با کیفیت نیز خواهد شد. در این تحقیق، پس از تبیین ابعاد مختلف حس تعلق به مکان، نقش عوامل کالبدی و محیطی مؤثر و چگونگی تأثیر این عوامل بر حس مکان بررسی شده است. سپس، به بررسی نقش عوامل کالبدی و محیطی در ساحل نمونه موردی (شهر بوشهر) پرداخته و نظر کارشناسان و استفاده‌کنندگان بررسی شده است. هدف کلی پژوهش حاضر تعیین روابط میان عوامل کالبدی و محیطی شامل محیط طبیعی، موقعیت مکانی و دسترسی، تنوع فضایی، ایمنی، مقیاس انسانی، زیبایی بصری، نفوذپذیری با حس تعلق مکان در ساحل بوشهر بوده است. تحقیق حاضر از نوع تحلیلی-توصیفی و به روش پیمایشی است. نتایج آزمون نشان می‌دهد که عوامل محیط طبیعی، موقعیت مکان و دسترسی، تنوع فضایی، ایمنی و نفوذپذیری از بین عوامل بررسی شده، رابطه معناداری در ارتقای حس تعلق به مکان در ساحل شهر بوشهر دارد.

کلیدواژه‌ها: حس تعلق به مکان، عوامل کالبدی و محیطی و ساحل شهری بوشهر.

مقدمه

یکی از معانی مهم در ارتقای کیفیت محیط‌های شهری و انسانی، حس تعلق به مکان است. این حس که عامل مهمی در شکل‌گیری پایه‌های ارتباطی استفاده‌کنندگان و محیط است، در نهایت منجر به ایجاد محیط‌های با کیفیت نیز خواهد شد (فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۲۸). حس تعلق به مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آن‌ها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد، به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند می‌خورد و یکپارچه می‌شود. این حس عاملی است که موجب تبدیل فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌شود. از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در مکانی مشخص حمایت می‌کند و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می‌شود (فلاح، ۱۳۸۵: ۷۵). از سوی دیگر و هم‌زمان با توسعه جوامع انسانی و تغییر شیوه سکونت و زندگی مردم، توجه معماران، طراحان و برنامه‌ریزان به کیفیت فضاها و محیط‌های ساخته‌شده افزایش یافته و نقش طراحی ابزاری برای شکل‌دادن به محیط زندگی و پاسخگویی به توقعات و نیازهای انسان اهمیت بیشتری یافته است. گسترش پژوهش‌های متعدد که به روش‌های ارزیابی و تحلیل معماری بعد از بهره‌برداری (POE) می‌پردازد، مؤید توجه بیشتر طراحان و برنامه‌ریزان به کیفیت فضاها و محیط‌های ساخته‌شده و سعی در شناخت و ارتقای این کیفیت‌ها در پاسخگویی به توقعات و نیازهای انسانی است. لذا، یکی از دغدغه‌های مهم برنامه‌ریزان و طراحان شهری افزایش حس تعلق به محیط در بین استفاده‌کنندگان از فضاهای شهری است. در همین راستا، هدف این پژوهش ارزیابی و سنجش مؤلفه‌های کالبدی و محیطی در ایجاد حس تعلق به مکان در ساحل نمونه مورد مطالعه (شهر بوشهر) و بررسی روابط میان این مؤلفه‌ها و مؤلفه‌های طراحی و برنامه‌ریزی در توسعه سواحل شهری است تا بتوان زمینه‌های افزایش این بُعد مهم ارتقای کیفیت محیط را فراهم آورد. با توجه به این هدف سؤال‌های تحقیق عبارت است از:

- چه عوامل کالبدی و محیطی‌ای موجب تقویت حس تعلق به مکان در ساحل شهری (نمونه مورد مطالعه) است؟

- این عوامل چه رابطه‌ای با حس تعلق به مکان در ساحل شهری بوشهر دارد؟

بنابراین، در این مطالعه نخست به مفهوم حس تعلق به مکان، ابعاد مختلف و مؤلفه‌های آن اشاره شده است. سپس، نقش عوامل کالبدی و محیطی مؤثر و چگونگی تأثیر این عوامل بر حس مکان بررسی شده است و بر اساس دیدگاه‌های صاحب‌نظران مؤلفه‌ها و شاخص‌های مؤثر ارائه شده است. در ادامه، به بیان بستر نمونه مورد مطالعه (ساحل بوشهر) پرداخته‌ایم و عناصر کالبدی ایجادکننده حس تعلق به مکان در ساحل بوشهر از دیدگاه استفاده‌کنندگان از فضا و نوع رابطه عوامل با حس تعلق به مکان بررسی شده است.

مبانی نظری

حس تعلق به مکان

از نظر سینالو، تعلق مکانی از جنبه‌های روان‌شناختی و هویتی تفسیرپذیر است. در روان‌شناسی تعلق مکانی به رابطه

شناختی فرد با محیط یا فضای خاص اطلاق می‌شود و از نظر هویتی، تعلق مکانی رابطه‌ی تعلق و هویتی فرد به محیط اجتماعی‌ای است که در آن زندگی می‌کند (فلاح، ۱۳۸۵: ۶۰). تعلق به مکان که بر پایه‌ی حس مکان به‌وجود می‌آید فراتر از آگاهی از استقرار در مکان است. این حس به پیوند فرد با مکان منجر می‌شود و در آن انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و براساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی، عملکردها و شخصیت نقشی برای مکان در ذهن خود متصور می‌سازد و مکان برای او قابل احترام می‌شود (Steele, 1981).

از نگاه پدیدارشناسان، حس مکان به معنای مرتبط شدن با مکان به واسطه‌ی درک نمادها و فعالیت‌های روزمره است. این حس در مکان زندگی فردی به‌وجود می‌آید و با گذر زمان عمق و گسترش می‌یابد (Relp, 1976). ارزش‌های فردی و جمعی بر چگونگی حس مکان تأثیر می‌گذارد و حس مکان نیز بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و به‌ویژه رفتار فردی و اجتماعی تأثیرگذار است (Canter, 1971). حس مکان نه فقط باعث هماهنگی و کارکرد مناسب فضای معماری و انسان است، بلکه عاملی برای احساس امنیت، لذت و ادراک عاطفی افراد نیز است و به هویت‌مندی افراد و احساس تعلق آن‌ها به مکان کمک می‌کند.

تعلق مکان از جنبه‌های روان‌شناسی و هویتی تفسیرپذیر است. در روان‌شناسی، تعلق مکانی به رابطه‌ی شناختی فرد با محیط یا فضای خاص اطلاق می‌شود و از لحاظ هویتی، تعلق مکان رابطه‌ی تعلق و هویتی فرد به محیط اجتماعی‌ای است که در آن زندگی می‌کند. در واقع، دلبستگی به مکان رابطه‌ی نمادین ایجادشده‌ی افراد به مکان است که معانی احساسی، عاطفی و فرهنگی مشترکی به فضایی خاص می‌دهد؛ بنابراین، تعلق به مکان، چیزی بیش از تجربه‌ی عاطفی و شناختی است و عقاید فرهنگی مرتبط‌کننده‌ی افراد به مکان را نیز شامل می‌شود (Altman & Low, 1992). فرهنگی بودن تعلق به مکان به معنای این است که در اکثر افراد تجزیه و تحلیل فضا به صورت نماد مشترک فرهنگی تجربه‌پذیر است. در واقع، افراد مکان‌ها را به خصوصیات فرهنگی ربط می‌دهند، به گونه‌ای که فضایی ممکن است محرک تجربه‌ی انسان و یادآور مفاهیم و معانی فرهنگی باشد (فلاح، ۱۳۸۵: ۶۰).

عوامل تشکیل‌دهنده‌ی حس تعلق به مکان

عوامل ادراکی - شناختی فردی

این بعد از تعلق، بر عواطف و احساسات انسانی نسبت به مکان و محیط اطراف او تأکید دارد و حس تعلق را ناشی از تعامل بین شخص و محرک‌های کالبدی، اجتماعی و فعالیت‌ها می‌داند. تعلق مکان احساسی به احساسات، اوضاع روانی و ذهنیاتی بازمی‌گردد که مردم درباره‌ی مکان‌های مشخص دارند. طبق نظرات گیولیان^۱ ممکن است هم با خود مکان مرتبط باشد و هم با جوامعی که به‌وسیله‌ی آن تعریف شده و کمک می‌کنند آن مکان تعریف شود (سیاوش‌پور و دیگران، ۱۳۹۳: ۳). شناخت و ادراک فرد از مکان از شروط اولیه برای ایجاد حس تعلق به مکان است. بدین منظور محیط‌های با خوانایی و تمایز کالبدی برای استفاده‌کنندگان جزء محیط‌های مطلوب است و افراد ادراک و شناخت بهتری از آن دارند. عوامل

کالبدی همچون مشخص کردن حریم‌ها، حدود مالکیت، و همسایگی‌ها از مهم‌ترین عوامل ادراک مناسب انسانی از محیط است که فرد بر اساس شایستگی‌ها و انگیزش‌های خود به کنکاش و تجربه از محیط می‌پردازد (فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۳۳).

عوامل اجتماعی

به همان نسبت که عوامل ادراکی - شناختی فردی در شکل‌گیری حس تعلق مؤثر است، نقش متغیرهای اجتماعی نظیر فرهنگ، نمادها و نشانه‌های اجتماعی نیز اهمیت زیادی دارد، به‌طوری که تا قبل از سال ۱۹۷۸ عمده تحقیقات صورت‌گرفته بر نقش عوامل اجتماعی به شکل‌گیری این حس پرداخته است و متغیرهای کالبدی جایگاهی در تحقیق نداشت. برخی حس تعلق را ناشی از روابط و تعاملات اجتماعی جاری در مکان دانسته‌اند و آن را عامل اصلی حس تعلق به محیط می‌دانند. از نگاه این رویکرد، برآیند عواملی از تعاملات اجتماعی که در محیط صورت می‌پذیرد موجب شکل‌گیری حس تعلق به مکان می‌شود. بر اساس این رویکرد، محیط حاوی اطلاعات و نشانه‌های مشترک اجتماعی است که انسان‌ها با درک و رمزگشایی آن‌ها با محیط خود به تعامل می‌رسند (سیاوش‌پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۶).

محققانی همچون راپاپورت، پروشانسکی، ریچر و لاوراکاس با پژوهش‌های خود بر نقش عوامل کالبدی تأکید کرده‌اند، اما اشاره داشته‌اند که آنچه محیط کالبدی را بستر تعامل اجتماعی بیان می‌کند، در اصل نمادها و سمبل‌های محیطی مشترک اجتماعی از یک طرف و از طرف دیگر قابلیت محیطی در تأمین و گسترش این بعد از نیازهای انسانی است (فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۳۳).

عوامل محیطی - کالبدی

این دسته از عوامل براساس نظریه مکان - رفتار در روان‌شناسی محیطی، به دسته‌بندی محیط به دو عامل مهم فعالیت و کالبد می‌پردازد. فعالیت‌های حاکم در محیط را براساس عوامل اجتماعی، کنش‌ها و تعاملات عمومی انسان‌ها تعریف می‌کند و کالبد را به همراه متغیرهای فرم و ساماندهی اجزا، مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری حس تعلق محیط ارزیابی می‌کند. عناصر کالبدی از طریق ایجاد تمایز محیطی، و ارتباط درون و بیرون در فضاها به ایجاد حس تعلق می‌پردازد. از سوی دیگر، عناصر کالبدی از طریق همسازی و قابلیت تأمین نیازهای انسان در مکان در ایجاد حس تعلق مؤثر است (فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۳۳).

دیدگاه صاحب‌نظران در رابطه با نقش عوامل کالبدی و محیطی در حس تعلق به مکان

از نظر فریتز استیل (۱۹۸۱)، مهم‌ترین عوامل کالبدی مؤثر در ادراک و حس مکان، اندازه مکان، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری است. او همچنین خصوصیات نظیر هویت، تاریخ، تخیل و توهم، راز و رمز، لذت، شگفتی، امنیت، سرزندگی، شور و خاطره را موجب برقراری رابطه متمرکز با مکان می‌داند. از نظر سالوآن، حس مکان از تعامل سه عنصر موقعیت، منظر و درهم‌تنیدگی فردی به‌وجود می‌آید که هر کدام به‌تنهایی برای خلق حس مکان کافی نیست. عوامل مختلفی چون بی‌حوصلگی، یکنواختی ساختمان‌ها و ظهور عصر

دیجیتالی تهدیدی برای حس مکان به حساب می‌آید. از نظر او شخصیت کالبدی، مالکیت، اصالت، ساکنان و وسایل رفاهی، طبیعت مانند آب، گیاهان، آسمان، خورشید و فضاهای خصوصی و جمعی اجزای تشکیل‌دهنده مکان و مؤثر در خلق حس مکان است (Salvesen, 2002).

از نظر یان زو، ساختارهای معنایی فضا و محیط ساخته شده برای ایجاد مجموعه‌هایی از کیفیت‌های خاص و به‌وجود آمدن حس مکان نقش دارد. حس مکان به نگرش‌ها، جهان‌بینی‌ها و پیوند افراد با مکان مانند نام مکان، حکایت‌های مربوط به مکان، تجربه‌های مکان و پیوندهای معنوی با مکان بستگی دارد. او سه متغیر اصلی حس مکان را خوانایی، ادراک محیط بصری و هماهنگی قرارگاه رفتاری با محیط بصری می‌داند (Xu, 1995).

از نظر نوربرگ شولتز (۱۹۹۷)، حس مکان در مکان‌هایی یافت می‌شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز است و شخصیت محیطی از چیزهای ملموس ساخته شده که دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ است. همچنین از نظر لینچ نیز حس مکان عاملی است که میان انسان و مکان ارتباط برقرار می‌کند و وحدت به‌وجود می‌آورد و فضا باید هویت قابل‌ادراکی داشته باشد و قابل‌شناسایی و به‌یاد ماندنی و نمایان باشد تا حس مکان ایجاد کند. این نوع حس مکان احساس تعلق نیز به همراه دارد.

جنیفر کراس (۲۰۰۱) عوامل مؤثر بر حس مکان را چگونگی رابطه با مکان و حس اجتماع می‌داند و رابطه با مکان را به صورت‌های زندگی‌نامه‌ای، معنوی، عقیدتی، روایتی، مادی و وابستگی اجباری دسته‌بندی می‌کند که با عواملی مانند هویت، درونیت و رضایت‌مندی پنج تراز مختلف از حس مکان را ایجاد می‌کند (فلاح، ۱۳۸۵: ۶۳).

از دیدگاه پاکزاد (۱۳۸۵: ۱۸۵) منظور از عناصر فیزیکی - کالبدی عناصر طبیعی و مصنوعی است که ظرف فضا را می‌سازد و تشکیل شده از بدنه، کف، میلمان شهری، پوشش گیاهی و جزآن. در صورتی که منظور از عوامل انسانی، افراد و فعالیت‌های آنان در فضا است که با رفتارهای خود جزء لاینفک فضا است. گلکار (۱۳۸۵: ۴۶) در مقاله «مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری» اعلام می‌دارد که در حیطه منظر شهری نقطه اوج نگرش‌های مربوط به توسعه پایدار دهه ۱۹۸۰ میلادی است که به چهار محور اصلی تقسیم می‌شود.

۱. توجه به مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی عینی - خصوصیات بصری محیط مانند فرم و منظر عینی شهری

۲. توجه به مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی ذهنی و ادراکی - خصوصیات ادراکی محیط، معنی و جز آن

۳. توجه به مؤلفه‌های عملکردی - خصوصیات کاربری زمین، شبکه معابر، زیرساخت‌ها و جز آن

۴. توجه به مؤلفه‌های محیط‌زیستی - خصوصیات حفاظت متقابل شهر و طبیعت، آلودگی و جز آن

منظر شهری پایدار که ساختار اجتماعی - فضایی مطرح می‌شود و چارچوب‌های کلی آن پارادایم مکان پایدار را معرفی می‌کند که در آن چهار عنصر کالبد، فعالیت، تصورات و اکوسیستم به‌طور هماهنگ در مشروط ساختن و شکل بخشیدن به منظر شهری سهیم است. در این نگرش، ابعاد جدیدی همچون معنای اجتماعی - فرهنگی، حس مکان و زمان، دغدغه‌های محیط‌زیستی و ملاحظات مرتبط با توسعه پایدار به فرایند تصمیم‌سازی طراحی منظر شهری افزوده می‌شود.

از دید کانتز، ویژگی‌های فیزیکی محیط - مکان ملموس‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه مکان در مقایسه با دو مؤلفه دیگر (فعالیت و تصورات) است. کانتز بیان می‌کند که به یاری مدل سه‌مؤلفه‌ای او برای مکان، جستجو و بررسی آن جنبه‌هایی

از فرم فیزیکی مکانی مشخص ممکن می‌شود که بیشترین پیوند را با دیگر مؤلفه‌ها دارد. برای مثال، در شهر، ویژگی‌های را در نظر گرفت که تمایز و تشخیص حوزه‌ها را در پی دارد. به عبارتی، ویژگی‌های فیزیکی را با توجه به ماهیت مکان به لحاظ فعالیت‌های جاری در آن، همچنین تصوراتی که در آن وجود دارد می‌توان در نظر گرفت (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۲۴۱). در جدول ۱ عوامل کالبدی و محیطی مرتبط با حس تعلق به مکان از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف مستندسازی شده است.

جدول ۱. عوامل کالبدی و محیطی حس مکان از دیدگاه صاحب‌نظران

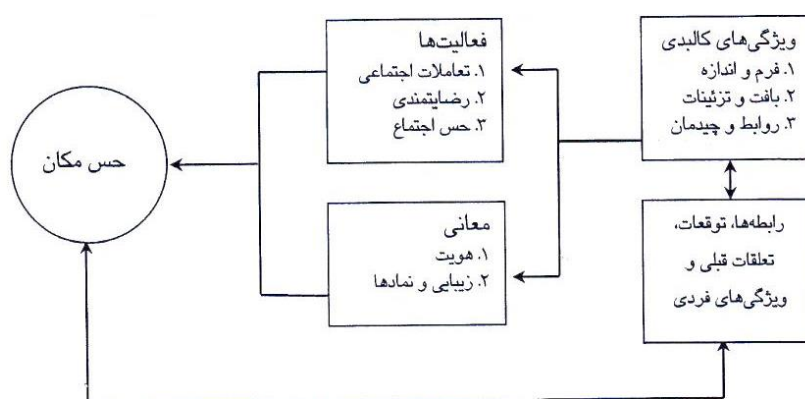
نام صاحب‌نظر	ویژگی‌ها
فريتز استیل	اندازه مکان، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری. همچنین، خصوصیات نظیر هویت، تاریخ، تخیل و توهم، راز و رمز، لذت، شگفتی، امنیت، سرزندگی، شور و خاطره را موجب برقراری رابطه متمرکز با مکان می‌داند (Steele, 1981).
سالواسن	شخصیت کالبدی، مالکیت، اصالت، ساکنان و وسایل رفاهی، طبیعت مانند آب، گیاهان، آسمان، خورشید و فضاهای خصوصی و جمعی اجزای تشکیل‌دهنده مکان و مؤثر در خلق حس مکان است (Salvesen, 2002).
یان زو	سه متغیر اصلی حس مکان را خوانایی، ادراک محیط بصری و هماهنگی قرارگاه رفتاری با محیط بصری می‌داند (Xu, 1995).
نوربرگ شولتز	حس مکان در مکان‌هایی یافت می‌شود که دارای شخصیت مشخص و متمایز است. شخصیت محیطی از چیزهای ملموس ساخته شده که دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ است (Norberg-Schulz, 1997).
لینچ	حس مکان عاملی است که میان انسان و مکان ارتباط برقرار می‌کند و وحدت به وجود می‌آورد. فضا باید هویت قابل ادراکی داشته باشد و قابل شناسایی و به یاد ماندنی و نمایان باشد تا حس مکان ایجاد کند. این نوع حس مکان ممکن است احساس تعلق نیز به همراه داشته باشد. او با اهمیت دادن به مفاهیمی مانند ساختار یا جهت‌یابی، سازگاری، شفافیت و خوانایی، بر نقش عوامل کالبدی تأکید می‌ورزد (لینچ، ۱۳۸۱).
راپاپورت	با تأکید بر نقش مؤلفه‌های اجتماعی- فرهنگی در شکل‌گیری محیط کالبدی، با طرح نظریه ارتباط غیرکلامی، محیط را مجموعه‌ای از عناصر کالبدی ثابت، نیمه‌ثابت و متحرک تقسیم می‌کند که فرد بر اساس کدها و انگاره‌های فرهنگی خود، معنا و مفهوم خاص خود را از محیط و عناصر آن استنباط می‌کند. از نگاه وی مکان در این رویکرد به مکانی نمادین تبدیل می‌شود که در آن هر یک از عناصر به صورت سمبل‌وار و نمادگونه، بخشی از فرهنگ اجتماعی محیط خود را نشان می‌دهد. (سیاوش پور و همکاران، ۱۳۹۳)
کریستوفر الکساندر	خصلت‌های نظامات زنده عبارت است از مقیاس‌های مختلف، مراکز نیرومند، مرزها، تکرار متناوب، فضای معین، شکل خوب، تقارن موضعی، انسجام و ابهام عمیق، درجه‌بندی (مرتبه‌بندی) ناهمگونی، پژواک، سادگی و آرامش درونی، فضای خالی (تهی) و جدایی‌ناپذیری. (آیت‌اللهی و رحمتیان، ۱۳۹۱)
رایدن	رایدن به طبیعت فیزیکی مکان و جنبه‌های از محیط اشاره می‌کند که به واسطه حواس و حرکت آن‌ها را درک می‌کنیم، مانند رنگ، بافت، شیب، کیفیت نور، احساس باد، صداها و رایحه پخش شده باد. (آیت‌اللهی و رحمتیان، ۱۳۹۱)
بتنلی و همکاران	نفوذپذیری (دسترسی)، گوناگونی (تنوع کاربری‌ها)، خوانایی (در فرم و عملکرد)، انعطاف‌پذیری، تنوع بصری، غنای حسی و رنگ تعلق به منزله عوامل کالبدی در ایجاد مکان و محیط ایده‌آل و پاسخگو به مردم کمک می‌کند. (۱۳۸۹)

مأخذ نگارندگان

چگونگی تأثیر عوامل کالبدی و محیطی بر حس تعلق مکان و مؤلفه‌ها و شاخص‌های

پیشنهادی

طبق مدل فلاح‌ت (۱۳۸۵، ۶۳) محیط کالبدی از طریق تأثیرگذاری بر فعالیت‌ها و ایجاد معانی خاص بر احساس و رفتار افراد تأثیر می‌گذارد و با توجه به اینکه روابط متقابل اجتماعی افراد یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های انسانی در قرارگاه است، چگونگی فرایند ادراک نیز در ایجاد تصورات ذهنی و تعلق افراد نسبت به قرارگاه اهمیت دارد.



شکل ۱. مدل عوامل تشکیل‌دهنده حس مکان (فلاح‌ت، ۱۳۸۵)

مطالعات مطلبی نشان می‌دهد عوامل کالبدی محیط در شکل‌گیری معنای حس تعلق نقش واسطه را دارد و در دو سطح در محیط مؤثر واقع می‌شود. در سطح نخست، عناصر کالبدی محیط با همسازی فعالیت‌ها از طریق تأمین و قابلیت انجام آن- و با ارضای نیازهای فردی در درجه اول و نیازهای اجتماعی ناشی از فعالیت‌های گروهی در درجه بعد- امکان ایجاد حس در مکان را فراهم می‌کند. در این سطح، ویژگی‌های کالبدی محیط با تسهیل فعالیت‌ها، منطبق بر الگوهای رفتاری افراد و با تأمین نیازهای استفاده‌کنندگان از مکان، در برقراری تعلق اجتماعی محیط مؤثر واقع می‌شود و امکان ایجاد و ارتقای پیوندهای اجتماعی در محیط را فراهم می‌کند. در سطح دوم، عناصر کالبدی محیط به منزله مؤلفه‌های فرهنگی و نمادها، واسطه ذهنی در ایجاد ارتباط ذهنی بین استفاده‌کنندگان از مکان را فراهم می‌کند. در این سطح، عناصر کالبدی منبعث از خاطره‌ها و تصاویر ذهنی استفاده‌کنندگان است و به صورت نمادگونه، ناشی از فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی نقش خود را ایفا می‌کند. بر این اساس، ویژگی‌های کالبدی نظیر فرم (شکل، رنگ، اندازه، بافت، مقیاس) به همراه نوع سازماندهی و روابط بین اجزا اهمیت پیدا می‌کند. در بعد ادراکی و شناخت، عناصر کالبدی از طریق تعریف محدوده و قلمرو، محصوریت فضا، تمایز کالبدی بین فضاها، ارتباط درون و بیرون در یک مکان، خوانایی و انطباق با الگوهای رفتاری، نقش خود را ایفا می‌کند. در بعد احساسی نیز با نمود کالبدی سمبل‌ها، نمادهای فرهنگی، خاطره‌ها و تصاویر ذهنی انسان‌ها خود را نشان می‌دهند (فروزنده و مطلبی، ۱۳۹۰: ۲۵).

در نهایت، با جمع‌بندی مطالب گفته‌شده، مؤلفه‌ها و شاخص‌های جدول ۲ پیشنهاد می‌شود که در برگزیده عوامل کالبدی و محیطی مؤثر بر حس تعلق به مکان از دید نگارندگان است.

جدول ۲. چارچوب پیشنهادی عوامل کالبدی و محیطی مؤثر در حس مکان (مأخذ: نگارندگان)

<ul style="list-style-type: none"> • پیوند مکان با طبیعت، آب، گیاه، آسمان و خورشید • آسایش اقلیمی ناشی از فاکتورهای اقلیمی و کیفیت‌های حرارتی شامل دما، رطوبت، باد، سایه و جزآن • غنای حسی، رایحه‌ها، صداها، بوها و جزآن • قابلیت‌های محیطی و شخصیت کالبدی مکان 	۱. عوامل محیطی
<ul style="list-style-type: none"> • موقعیت مکان و دسترسی • چگونگی ارتباط مکان با محیط پیرامون 	۲. موقعیت مکان و دسترسی
<ul style="list-style-type: none"> • روابط و چیدمان فضایی • انعطاف‌پذیری، کاربری‌ها و عملکردها • کیفیت‌های بصری • رنگ تعلق 	۳. تنوع فضایی
	۴. ایمنی
<ul style="list-style-type: none"> • تناسبات افقی و عمودی • اندازه و فاصله 	۵. مقیاس انسانی
<ul style="list-style-type: none"> • کیفیت جداره‌ها و بازشوها از لحاظ بافت، رنگ، فرم، مصالح، تنوع بصری و جزآن • خوانایی • جهت‌یابی • دید و منظر 	۶. زیبایی بصری
<ul style="list-style-type: none"> • نفوذپذیری بصری و حرکتی • درجهٔ محصوریت فضا • ارتباط درون و بیرون در مکان • تعریف محدوده و قلمرو 	۷. نفوذپذیری

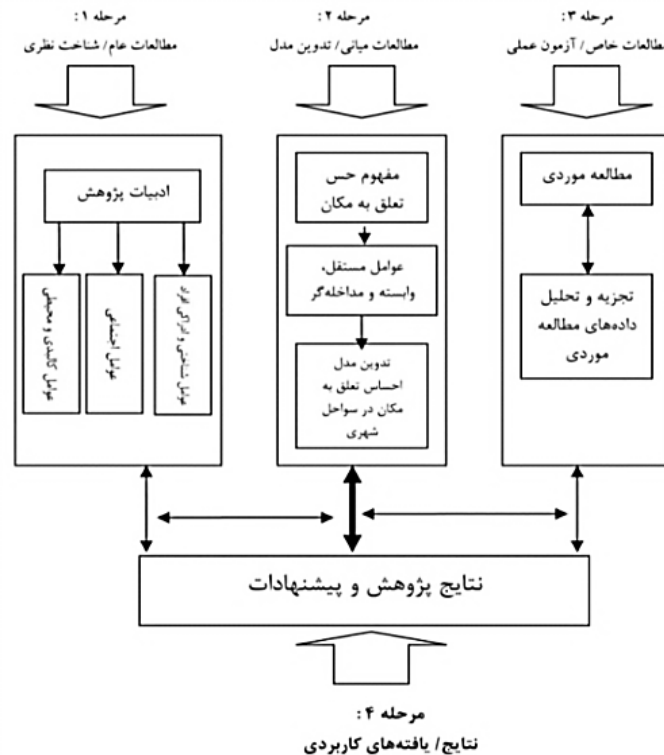
عوامل کالبدی مؤثر در حس مکان

روش تحقیق

در این پژوهش تحلیل و ارزیابی عناصر کالبدی و محیطی مؤثر در حس تعلق به مکان محدوده مطالعاتی (ساحل شهری بوشهر) با استفاده از بررسی اسناد مستدلی چون نقشه و عکس، سپس با استفاده از روش‌های ثبت الگوهای رفتاری کاربران، مصاحبه و تهیه پرسشنامه انجام گرفته است. به دلیل نبود پرسشنامه استاندارد در موضوع تحقیق، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است.^۱ اساس ارزیابی در این پژوهش روشن‌سازی و تدقیق ریزمعیارها بر اساس معیارهای

۱. به منظور تعیین پایایی آزمون، از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. این روش برای محاسبه هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری به کار می‌رود که ویژگی‌های مختلف را اندازه‌گیری می‌کند. سپس، با استفاده از داده‌های به دست آمده از این پرسشنامه‌ها و به کمک نرم‌افزار SPSS، میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ برای این ابزار محاسبه شد. مقدار پایایی طبق این آزمون ۰/۸۵۱ است. پس آزمون ما پایایی قابل قبولی دارد.

استخراج شده و چارچوب نظری پژوهش است. جامعه آماری استفاده‌کنندگان ساحل بوشهر و مدیران و کارشناسان شهری است. لذا، به دلیل اینکه برای چنین جوامع آماری معمولاً تعداد دقیقی را نمی‌توان برآورد کرد و اصطلاحاً جوامع پنهان است، با نمونه‌گیری تصادفی و با استفاده از نقطه اشباع سربه‌سر اقدام به پرسشگری شد. بر این اساس، ۱۰۸ پرسشنامه در اختیار استفاده‌کنندگان از فضای ساحلی شهر بوشهر قرار گرفت.



شکل ۲. مراحل انجام تحقیق (مأخذ: نگارندگان)

پس از جمع‌آوری داده‌ها، به منظور تحلیل آن‌ها، اطلاعات حاصل به صورت جدول ارزش‌گذاری معیارها، اطلاعات آماری و نمودار ارزیابی شد.

سپس، روابط بین متغیرها با استفاده از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن در نرم‌افزار spss تحلیل شد.

شناخت محدوده و مطالعات میدانی

ساحل محدوده مطالعاتی (شهر بوشهر)

دریا و ساحل پایه‌های اصلی هویت‌دهنده شهر بوشهر است. لذا، هر گونه تحلیل فضایی بوشهر بدون توجه به محور هویتی آن ناقص می‌نماید. به عبارتی کارکردهای شهر بوشهر مرتبط با دریا تعریف می‌شود. بنابراین، برای تحلیل

کارکردهای جدید «که محور آینده توسعه شهر خواهد بود» بررسی ساحل گریزناپذیر است. بندر بوشهر با توجه به سواحل مناسب، جزایر همجوار، ناحیه قدیم شهر و آثار تاریخی، فرهنگی و مذهبی‌ای که دارد ایفاگر نقش مؤثری در جذب گردشگران داخلی و خارجی خواهد بود. توان بالای استفاده از ساحل برای جذب گردشگر از فرصت‌هایی است که در چند سال اخیر در کانون توجه مدیران شهری قرار گرفته است.



شکل ۳. تحلیل نوار ساحلی بوشهر (مأخذ: نگارندگان)

تحلیل نوار ساحلی بوشهر

با توجه به تنوع فعالیت‌های آبی‌ای که در شهری بندری و در ساحل آن اتفاق می‌افتد، ساحل بوشهر را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

- ساحل شهری، که در مجاورت بافت شهری واقع است و حوزه فعالیت‌های تفریحی شهر بوشهر است.
- اسکله‌های صیادی، که برای فعالیت‌های صیادی و محل پهلوگیری کشتی و قایق‌های صیادی است.
- ساحل‌های استراتژیکی که مورد استفاده اهداف نظامی و استراتژیکی است.
- ساحل‌های تفریحی خارج از شهر (بندرگاه، آب‌شیرین‌کن و جزآن)، که مناطق تفریحی خارج شهری و مورد استفاده ساکنان شهر قرار می‌گیرد.

- ساحل کشتیرانی، خور بوشهر که مورد استفاده ترانزیت کالا است و حوزه فعالیت اداره بنادر و کشتیرانی است.
- سواحل رهاشده خارج از شهر، اراضی خالی از سکنه و بی استفاده که دارای چین های شدید و پوشش گیاهی اندکی است.



شکل ۴. محدوده مورد مطالعه، بخشی از ساحل غربی بوشهر (مأخذ: نگارندگان)

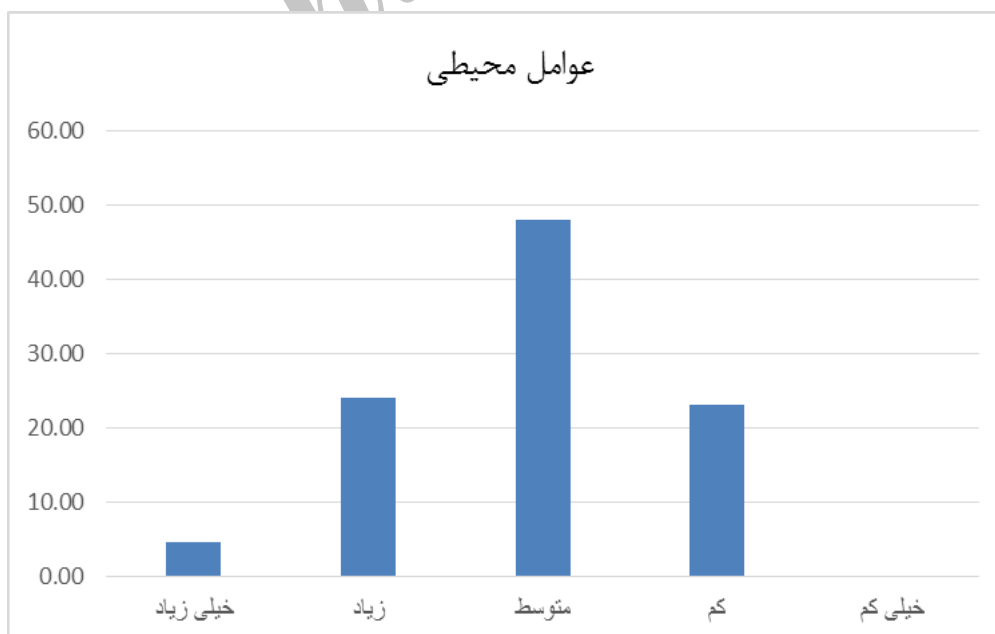
جاده ساحلی نیز برای دسترسی در محدوده شهر در امتداد ساحل کشیده شده است. با توجه به انواع عملکردهای ساحل بوشهر که در نقشه شهر معرفی شد، در این تحقیق با توجه به ارزش های گفته شده راجع به ساحل شهری در ساختن آوردگاهی عمومی و فضای جمعی و دمیدن زندگی به شهر، آن بخشی از ساحل بررسی شده که در مجاورت شهر و در کناره کاربری های شهری است. محدوده مطالعه بخشی از ساحل غربی بوشهر است که به طول حدود ۱/۵ کیلومتر

از شمال به خیابان انقلاب و از جنوب به شهرداری شهر بوشهر، از غرب به دریا و از شرق به بافت شهری محدود شده است. این محدوده به دلیل بهره‌مندی از پتانسیل‌های زیر، قابلیت بیشتری برای دربرگرفتن و تعریف مرکز شهری مورد نیاز دارد:

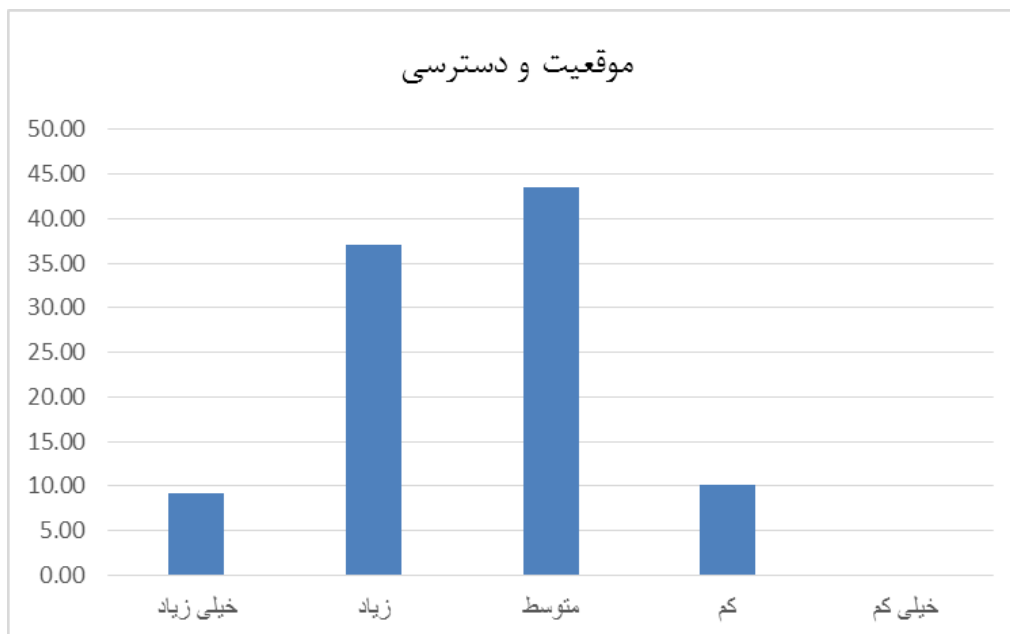
- مجاورت با بافت قدیم و تعامل انسانی حاصل از آن با فضای شهری مورد نیاز
- مجاورت با قلب تجاری شهر و تعامل انسانی و اقتصادی حاصل از آن با فضای شهری مورد نیاز
- وجود کاربری‌های اقامتی، تفریحی در مجاورت با حوزه مزبور

یافته‌های پژوهش و تجزیه و تحلیل

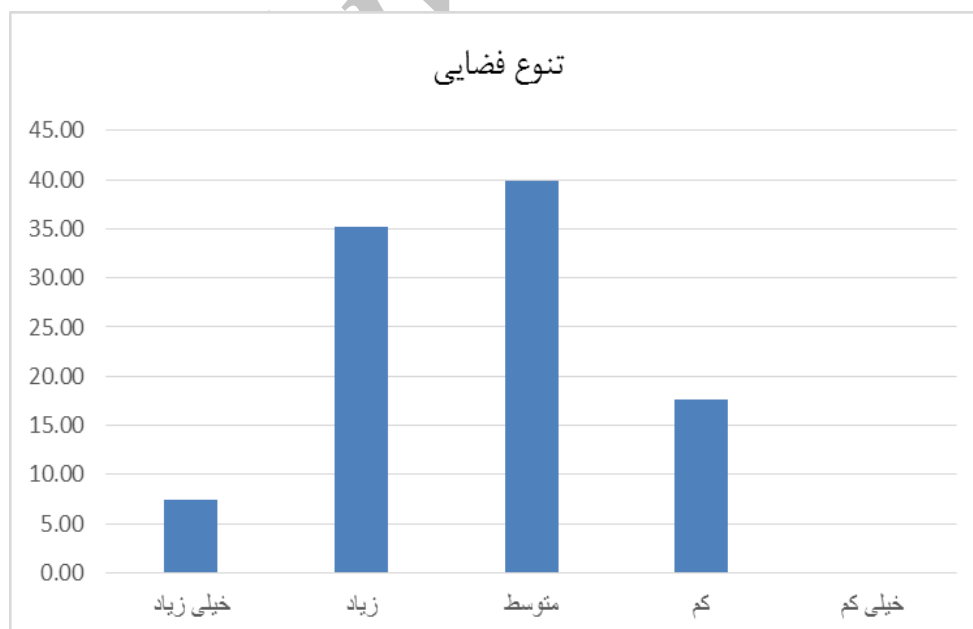
همان‌گونه که در بخش روش تحقیق نیز اشاره کردیم، در این تحقیق به منظور ارزیابی نوع رابطه عوامل محیطی و کالبدی با حس تعلق به مکان در ساحل شهری بوشهر از نظرات مردم به روش پرسشنامه استفاده شده است. شکل ۵ تا ۱۱ بیانگر نظرهای مردم در مورد عوامل محیطی، موقعیت مکان و دسترسی، تنوع فضایی، ایمنی، مقیاس انسانی، زیبایی بصری و نفوذپذیری است. نتایج توصیفی حاصل از پژوهش بیانگر این است که از نظر عوامل محیطی بیشترین فراوانی (۴۸/۱۵ درصد) گزینه متوسط انتخاب شده است. همچنین، برای شاخص‌های موقعیت مکان و دسترسی، تنوع فضایی، زیبایی بصری و ایمنی بیشترین فراوانی مربوط به گزینه متوسط و به ترتیب ۴۳/۵۲ درصد، ۳۹/۸۱ درصد، ۳۶/۱۱ درصد و ۵۴/۶۳ درصد است. اما، در مورد شاخص‌های مقیاس انسانی و نفوذپذیری بیشترین فراوانی مربوط به گزینه زیاد و به ترتیب ۵۰ درصد و ۴۹/۰۷ درصد است.



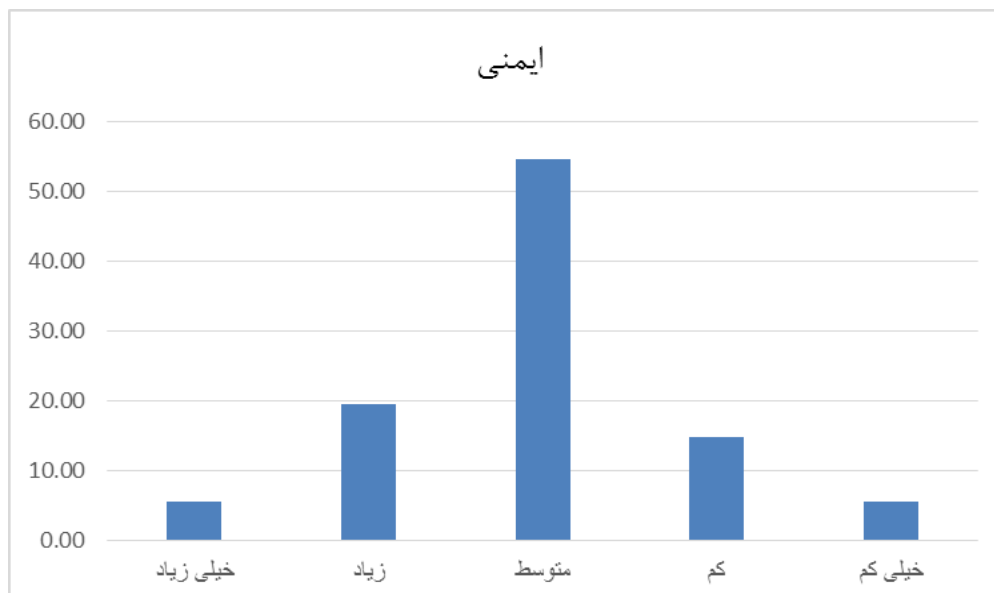
شکل ۵. میزان پاسخگویی مشارکت‌کنندگان در ارتباط با عوامل محیطی و حس تعلق مکانی



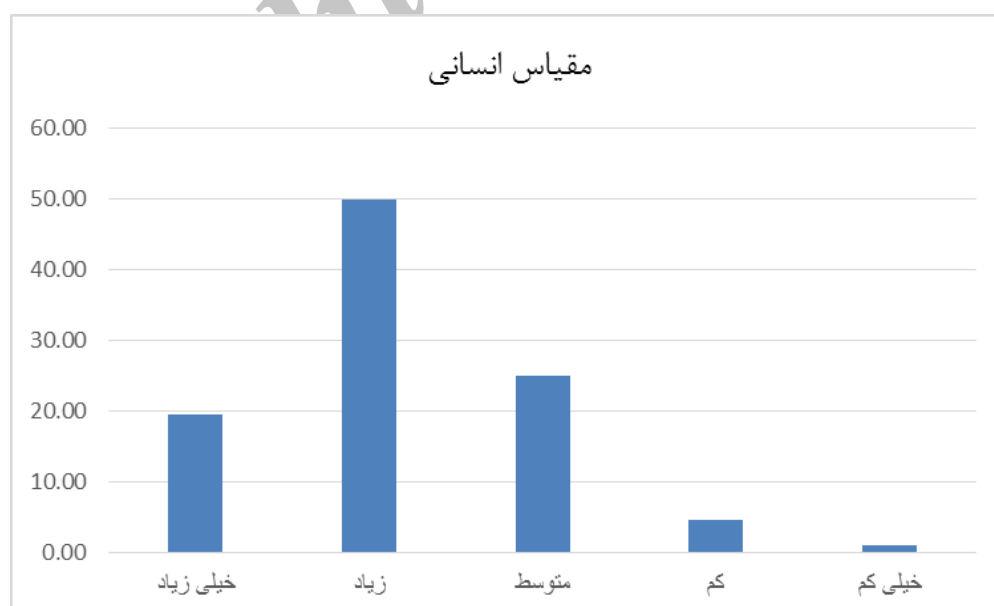
شکل ۶. میزان پاسخگویی مشارکت‌کنندگان در ارتباط با موقعیت و دسترسی و حس تعلق مکانی



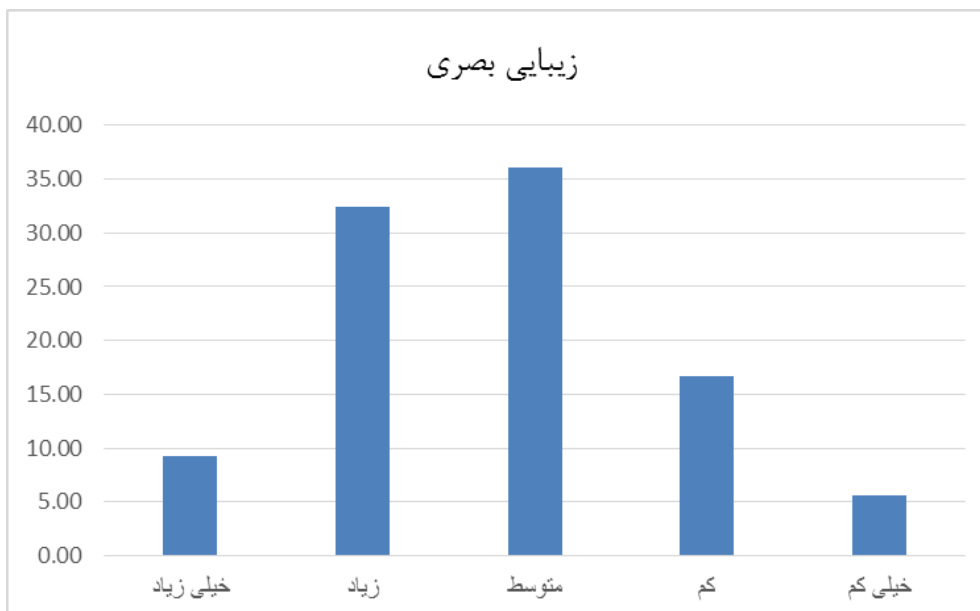
شکل ۷. میزان پاسخگویی مشارکت‌کنندگان در ارتباط با تنوع فضایی و حس تعلق مکانی



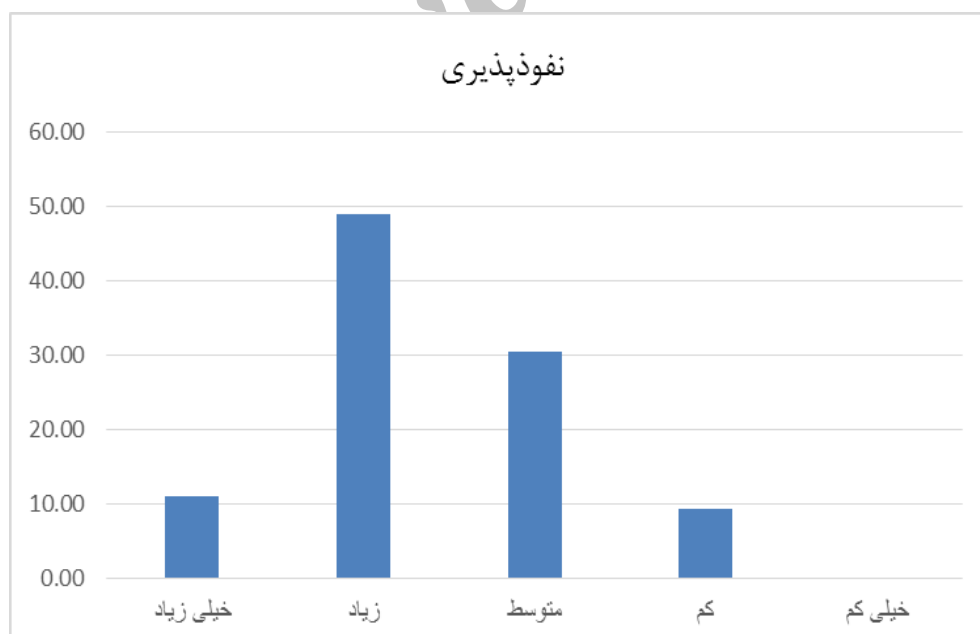
شکل ۸. میزان پاسخگویی مشارکت‌کنندگان در ارتباط با ایمنی و حس تعلق مکانی



شکل ۹. میزان پاسخگویی مشارکت‌کنندگان در ارتباط با مقیاس انسانی و حس تعلق مکان



شکل ۱۰. میزان پاسخگویی مشارکت‌کنندگان در ارتباط با زیبایی بصری و حس تعلق مکانی



شکل ۱۱. میزان پاسخگویی مشارکت‌کنندگان در ارتباط با نفوذپذیری و حس تعلق مکانی

برای تعیین میزان ارتباط میان عوامل محیطی، موقعیت مکان و دسترسی، تنوع فضایی، ایمنی، مقیاس انسانی، زیبایی بصری و نفوذپذیری با حس تعلق مکانی از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شد. این آزمون شدت ارتباط میان عوامل کیفی مشخص شده را با متغیرهای مورد نظر می‌سنجد. از آنجا که تمامی متغیرها با مقیاس رتبه‌ای اندازه‌گیری شده است، از شاخص ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. اندازه این ضریب عددی بین -۱ و +۱ است و هرچه این اندازه بزرگ‌تر باشد، شدت ارتباط میان دو متغیر بیشتر است. نتایج این آزمون به همراه سطح معناداری آن در جدول ۳ تا ۹ آمده است.

عوامل محیطی

همان‌طور که در جدول ۳، جدول ماتریس همبستگی، مشاهده می‌شود، مقدار همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر عوامل محیطی و حس تعلق به مکان (۰/۰۹۳) است. سطح معناداری ۰/۰۲۸ نیز بیانگر آن است که با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ بین این دو متغیر رابطه مثبت وجود دارد. به بیان ساده‌تر، هر چه عوامل محیطی در شهر بیشتر شود، حس تعلق به مکان نیز بیشتر خواهد بود.

جدول ۳. نتیجه آزمون پیرسون جهت بررسی رابطه بین عوامل محیطی و حس تعلق به مکان

متغیر	ویژگی‌های آماری	حس تعلق به مکان
عوامل محیطی	همبستگی اسپیرمن	۰/۰۹۳**
	سطح معناداری	۰/۰۲۸
	مجموع	۱۰۸

موقعیت مکان و دسترسی

همان‌طور که در جدول ۴، جدول ماتریس همبستگی، مشاهده می‌شود، مقدار همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر موقعیت مکان و دسترسی و حس تعلق به مکان ۰/۰۶۵ است. سطح معناداری ۰/۰۵۱ نیز بیانگر آن است که با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ بین این دو متغیر رابطه مثبت وجود دارد. به بیان ساده‌تر، هر چه موقعیت مکان و دسترسی در شهر بیشتر شود، حس تعلق به مکان نیز بیشتر خواهد بود.

جدول ۴. نتیجه آزمون پیرسون در بررسی رابطه بین موقعیت مکان و دسترسی و حس تعلق به مکان

متغیر	ویژگی‌های آماری	حس تعلق به مکان
موقعیت مکان و دسترسی	همبستگی اسپیرمن	۰/۰۶۵**
	سطح معناداری	۰/۰۵۱
	مجموع	۱۰۸

تنوع فضایی

همان طور که در جدول ۵، جدول ماتریس همبستگی، مشاهده می‌شود، مقدار همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر تنوع فضایی و حس تعلق به مکان ۰/۲۲۷ است. سطح معناداری ۰/۰۱۸ نیز بیانگر آن است که با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ بین این دو متغیر رابطه مثبت وجود دارد. به بیان ساده‌تر، هر چه تنوع فضایی در شهر بیشتر شود، حس تعلق به مکان نیز بیشتر خواهد بود.

جدول ۵. نتیجه آزمون پیرسون در بررسی رابطه بین تنوع فضایی و حس تعلق به مکان

متغیر	ویژگی‌های آماری	حس تعلق به مکان
	همبستگی اسپیرمن	**۰/۲۲۷
تنوع فضایی	سطح معناداری	۰/۰۱۸
	مجموع	۱۰۸

ایمنی

همان طور که در جدول ۵، جدول ماتریس همبستگی، مشاهده می‌شود، مقدار همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر ایمنی و حس تعلق به مکان ۰/۰۸۴ است. سطح معناداری ۰/۰۴۸ نیز بیانگر آن است که با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ بین این دو متغیر رابطه مثبت وجود دارد. به بیان ساده‌تر هر چه ایمنی در شهر بیشتر شود، حس تعلق به مکان نیز بیشتر خواهد بود.

جدول ۶. نتیجه آزمون پیرسون در بررسی رابطه بین ایمنی و حس تعلق به مکان

متغیر	ویژگی‌های آماری	حس تعلق به مکان
	همبستگی اسپیرمن	**۰/۰۸۴
ایمنی	سطح معناداری	۰/۰۴۸
	مجموع	۱۰۸

زیبایی بصری

همان طور که در جدول ۶، جدول ماتریس همبستگی، مشاهده می‌شود، مقدار همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر زیبایی بصری و حس تعلق به مکان ۰/۱۰۹ است. سطح معناداری ۰/۸۹۷ نیز بیانگر آن است که با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ بین این دو متغیر رابطه وجود ندارد.

جدول ۷. نتیجه آزمون پیرسون در بررسی رابطه بین زیبایی بصری و حس تعلق به مکان

متغیر	ویژگی‌های آماری	حس تعلق به مکان
	همبستگی اسپیرمن	۰/۱۰۹**
زیبایی بصری	سطح معناداری	۰/۸۹۷
	مجموع	۱۰۸

مقیاس انسانی

همان‌طور که در جدول ۸، جدول ماتریس همبستگی، مشاهده می‌شود، مقدار همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر مقیاس انسانی و حس تعلق به مکان ۰/۱۴۳ است. سطح معناداری ۰/۷۵۳ نیز بیانگر آن است که با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ بین این دو متغیر رابطه وجود ندارد.

جدول ۸. نتیجه آزمون پیرسون در بررسی رابطه بین مقیاس انسانی و حس تعلق به مکان

متغیر	ویژگی‌های آماری	حس تعلق به مکان
	همبستگی اسپیرمن	۰/۱۴۳**
مقیاس انسانی	سطح معناداری	۰/۷۵۳
	مجموع	۱۰۸

نفوذپذیری

همان‌طور که در جدول ۸، جدول ماتریس همبستگی، مشاهده می‌شود، مقدار همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر نفوذپذیری و حس تعلق به مکان ۰/۳۲۸ است. سطح معناداری ۰/۰۰۰ نیز بیانگر آن است که با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ بین این دو متغیر رابطه مثبت وجود دارد. به بیان ساده‌تر، هر چه میزان نفوذپذیری در شهر بیشتر شود، حس تعلق به مکان نیز بیشتر خواهد بود.

جدول ۹. نتیجه آزمون پیرسون در بررسی رابطه بین نفوذپذیری و حس تعلق به مکان

متغیر	ویژگی‌های آماری	حس تعلق به مکان
	همبستگی اسپیرمن	**۰/۳۲۸
نفوذپذیری	سطح معناداری	۰/۰۰۰
	مجموع	۱۰۸

مقدار سطح معناداری برای عامل‌ها نشان می‌دهد که ارتباط میان عوامل محیطی، مکانی، تنوع فضایی، ایمنی، و نفوذپذیری با حس تعلق مکانی معنادار است. این معناداری را می‌توان نتیجه تأثیرگذاری قابل توجه عوامل محیطی طبیعی هم در گونه‌بندی و استخوان‌بندی بافت و هم در موقعیت و نفوذپذیری آن، به‌ویژه اقلیم در بوشهر، دانست. مفصل‌بودن ساحل بین شهر و دریا موجب شده تا شکل‌گیری شریان‌های اصلی شهر به سمت ساحل هدایت شود و عامل چگونگی ارتباط مکان با پیرامون را متأثر سازد که یکی از عوامل اصلی و تأثیرگذار بر حس تعلق به مکان است. همچنین، تعیین‌کننده‌بودن عوامل محیطی نیز موجب شده تا از دیدگاه استفاده‌کنندگان بین مقیاس انسانی با حس تعلق مکان رابطه‌ای مستحکم برقرار نشود.

بر اساس عوامل اقلیمی منطقه، به دلیل گرمای شدید و رطوبت بالا در طول روز، زندگی شهری و فعالیت‌های شهری در طول روز به سختی انجام می‌شود. به عبارتی دیگر، در طول روز زندگی و حیات شهری به چشم نمی‌خورد. اما، به محض فرارسیدن غروب و کاهش دما جلوه شهر متحول می‌شود، مراکز خرید شروع به فعالیت می‌کند و اهالی شهر به فضاهای شهری قدم می‌گذارند و حیات شهری عیان می‌شود. در کل، بوشهر دارای زندگی پس از غروب است که حضور مردم در فضای شهری سازنده تصویری از زندگی شهر در ذهن هر بیننده‌ای است.

با وجود شرایط اقلیمی خاص، فضای ساحلی بوشهر به لحاظ ساماندهی بر اساس عوامل اقلیمی، فضایی فقیر است، به گونه‌ای که در طول روز جوابگوی کاربران نیست. نداشتن مبلمان متناسب با شرایط اقلیمی (ایجاد سایه و حفظ کوران هوا)، نداشتن پوشش گیاهی مناسب در محدوده ساحل، بی‌توجهی به قابلیت‌ها و فرصت‌های دریا در ساماندهی و جانمایی عناصر در محدوده ساحل، از جمله نقص‌های آن محدوده است. وجود بادهای دریایی و متعاقب آن توفان‌های دریایی در پاره‌ای از ایام سال نیز در استفاده از فضای ساحل مؤثر است. لذا، ارتقای عوامل محیطی در بالا بردن حس تعلق به مکان تأثیر بسزایی دارد.

موقعیت مکان و دسترسی که بیشتر در مقیاس شهری مطرح می‌شود و شامل هم‌جواری‌ها، روابط و چیدمان فضا، دسترسی به تسهیلات و امکانات رفاهی و جزآن است، نقش پیونددهنده شریان عبوری از فضا در برقراری پیوند بین فضای مورد بررسی و سایر اجزای سازنده مرکز شهر و مجاورت با بافت قدیم و تعامل انسانی حاصل از آن و مجاورت با قلب تجاری شهر و تعامل انسانی و اقتصادی حاصل از آن و حضور کاربری‌های اقامتی و تفریحی در مجاورت با حوزه مزبور و وجود ابنیه ارزشمند با کاربری‌های شاخص و عمومی (ساختمان میراث فرهنگی، ایران‌شناسی، مساجد قدیمی، شورای شهر، آب‌انبار قوام) به منزله نشانه‌های ذهنی شاخص خط ساحلی در معنادار بودن رابطه مؤثر است.

راهکارهای نفوذپذیری به دو دسته راهکار نفوذپذیری بصری و کالبدی (فیزیکی) تقسیم می‌شود. امکان دسترسی و نفوذ آسان پیاده به کناره ساحل و ارتباط و پیوستگی مسیرهای حرکتی در طول ساحل در معنادار بودن این ارتباط مؤثر است.

تنوع فضایی شامل گوناگونی کاربری‌ها و فعالیت‌هاست؛ مکانی که تنوع فعالیت و کاربری‌های مختلف داشته باشد و افراد مختلف را در اوقات گوناگون با منظوره‌های متنوع به خود جلب کند. هدف از تنوع فضایی این است که میزان حق انتخاب را فزونی دهد و از احساس یکنواختی و ملال جلوگیری کند. وجود کاربری‌های همساز با ساحل، همجواری با

بافت قدیم و مرکز تجاری شهر، وجود عرصه‌های باز در فضای مورد بررسی (محدوده قوام و پارک ساحلی)، و وجود و ثبت قرارگاه‌های رفتاری در ساحل مورد مطالعه باعث سرزندگی خط ساحلی، به‌خصوص در شب شده است که در معنادار بودن این ارتباط مؤثر است.

محیط مطلوب باید از نظر کالبدی محیطی امن باشد. یکی از عوامل ایجاد ایمنی وجود قابلیت‌های حرکتی مناسب و ایمن در قرارگاه‌های رفتاری است. ایجاد پلکان یا راه‌های امن برای دسترسی به آب در محل‌هایی که دریا و ساحل اختلاف ارتفاع دارد و استفاده از سازه‌های حفاظت از ساحل در برابر عوامل طبیعی و محیطی باعث ایجاد رابطه معنادار با حس تعلق به مکان است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بی‌توجهی برنامه‌ریزان و طراحان سواحل شهری به معیارهای کالبدی و محیطی مشکلات اساسی برای استفاده‌کنندگان این فضاهای حیاتی شهری به‌دنبال دارد. این در حالی است که جوامع انسانی که در سواحل کشور زندگی می‌کنند بخش مهمی از جمعیت شهری کشور را تشکیل می‌دهند و در کنار اهمیت ذاتی حس تعلق مکانی، اهمیتی ملی نیز دارد چرا که ساحل‌نشینان در واقع مرزنشین نیز هستند و از این جهت نقش مهمی در ثبات منطقه‌ای ایفا می‌کنند. لذا، نتایج پژوهش‌ها در زمینه بررسی عوامل مؤثر بر حس تعلق به مکان ضمن افزودن به دانش برنامه‌ریزی و طراحی سواحل شهری به تدوین ضوابط طراحی مناسب‌تر کمک می‌کند و امکان طراحی ساحل با کیفیت بهتر را فراهم می‌کند. همان‌طور که بیان شد، هدف اصلی پژوهش حاضر ارزیابی تأثیر عوامل کالبدی و محیطی بر حس تعلق به مکان در ساحل نمونه موردی (شهر بوشهر) است و نتایج زیر حاصل شد: **عوامل محیطی، موقعیت مکانی و دسترسی، تنوع فضایی، و ایمنی.** از بین عوامل بررسی شده، رابطه معناداری در ارتقای حس تعلق به مکان در ساحل شهر بوشهر وجود دارد. بنابراین، بر اساس یافته‌های تحقیق، برای رسیدن به اهداف ذکر شده، راهکارهای پیشنهادی در مورد طراحی ساحل بوشهر در جدول ۱۰ آمده است.

جدول ۱۰. راهکارهای پیشنهادی

متغیر	راهکارهای پیشنهادی
عوامل محیطی	حفظ ویژگی سنی و صخره‌ای ساحل در مجاورت آب، جلوگیری از جریان‌یافتن فاضلاب در کناره یا ساحل، پرهیز از به‌کار بردن مصالح جذب‌کننده و نگهدارنده حرارت و رطوبت، تعدیل رطوبت و دما با استفاده از پوشش گیاهی و گونه‌های بومی و جریان‌یافتن نسیم در کناره‌ها، مکان‌یابی و طراحی فضای سبز متناسب با قابلیت‌های طبیعی منطقه (کاشت گیاهان سازگار با ساختار اکولوژیکی و منظر طبیعی آن) و در نظر گرفتن محدودیت‌های محیط‌زیستی، به‌ویژه خاک و آب
موقعیت مکان و دسترسی	طراحی منعطف و خلاقانه لبه و بدنه ساحل و ترکیب با بستر طبیعی ساحل، امتداد و نفوذ ساحل در شهر با استفاده از کریدورهای سبز و اتصال به شبکه فضایی سبز داخل شهر، اتصال ساحل در مناطق گذر از استخوان‌بندی شهر با ایجاد دسترسی مناسب و ارتباط ساحل با بافت‌های همجوار

ادامه جدول ۱۰. راهکارهای پیشنهادی

متغیر	راهکارهای پیشنهادی
تنوع فضایی	وجود محل‌هایی برای گردهمایی‌های خانوادگی و دوستانه، ایجاد بسترهای چندعملکردی و قابل تجهیز توسط استفاده‌کنندگان، وجود روشنایی و فعالیت‌های کافی برای قابل استفاده کردن فضا در شب، وجود بسترهای فضایی مناسب برای فعالیت‌های مرتبط با آب چون ماهیگیری، قایقرانی و شنا، وجود کاربری‌هایی چون رستوران، تریا و جزآن ترجیحاً با سرویس در فضای باز به صورت پراکنده، وجود بازارچه سنتی و مراکز خرید، کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی، موزه‌ها و بناهای یادمانی در درون پارک‌ها و فضاهای سبز حاشیه، حذف کاربری‌های ناسازگار و مزاحم از نوار ساحلی (کارگاه‌ها، پادگان‌ها و جزآن)
ایمنی	تعیین حریم جزر و مد و در نظر گرفتن حریم ساخت‌وساز، ایجاد خلیج‌های امن برای فعالیت‌های آبی افراد، ایجاد پلکان یا راه‌های امن برای دسترسی به آب در محل‌هایی که دریا و ساحل اختلاف ارتفاع دارد
مقیاس انسانی	ایجاد تناسب میان گستردگی ساحل با ابعاد دانه‌های مستقر در آن، پرهیز از عرصه‌های بزرگ و نامتناسب با توان فیزیکی انسان، انسانی کردن فضاها از طریق رعایت مقیاس‌ها و تناسب‌ها و توجه به زاویه دید ناظران
زیبایی بصری	استفاده از رنگ برای هدایت حرکت بصری با استفاده از گونه‌های مختلف گیاهی و مصالح، ترکیب میان ساحل و نمای ساختمان‌های بافت شهری با استفاده از عناصر واسطه در طراحی شامل استفاده از رواق‌ها و پیروی از امتداد خطوط نمای ساختمان‌ها، بازگشایی محورهای دید از درون بافت شهر به دریا به‌منظور جاذبه‌های بصری و خوانایی بافت، تقویت نقاط ویژه و قابل رویت در دریا در شب و روز
نفوذپذیری	حاکمیت پیاده با دور کردن سواری در حال حرکت یا توقف از کنار؛ استفاده از بدنه‌های شفاف، نیمه‌شفاف و سبک در کنار ساحل؛ طراحی واضح و دور از اغتشاش؛ افزایش خوانایی بدنه ساحل از طریق ایجاد عناصر شهری برجسته

مأخذ: نگارندگان

منابع

- آیت‌اللهی، سید محمدحسین؛ رحمتیان، نادیه (۱۳۹۱). نقش عوامل کالبدی در شکل‌گیری دلبستگی به مکان، کنفرانس بین‌المللی عمرانری، معماری و توسعه پایدار شهری، تبریز.
- بتلی، یان، آلن الکک، پال مورین، سو مک گلین و گراهام اسمیت (۱۳۸۹). محیط‌های پاسخده، مترجم مصطفی بهزادفر، انتشارات علم و صنعت.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۸). سیر اندیشه‌ها در شهرسازی ۳، از فضا تا مکان، انتشارات شهیدی.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۵). مبانی نظری و فرایند طراحی شهری، انتشارات شهیدی.
- سیاوش‌پور، بهرام، شادلوچهرمی، مجتبی و مولایی رامشه، زهره (۱۳۹۳). ابعاد تشکیل‌دهنده حس تعلق به مکان، با تأکید بر عوامل کالبدی، اجتماعی و احساسی (ادراک و شناخت)، ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی، آبان، مشهد.
- فروزنده، علی؛ مطلبی، قاسم (۱۳۹۰). مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن، هویت شهر، ۵: ۲۷-۳۷.
- فلاح، محمدصادق (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، ۲۶: ۵۷-۶۶.
- گلکار، کورش (۱۳۸۵). مفهوم منظر شهری، فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی، ۱۶ (۵۳)، زمستان.
- لینچ، کوین (۱۳۸۱)، تئوری شکل خوب شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- Altman, I. & Low, Setha (ed.) (1992). *Place Attachment*, Plenum Press, New York.
- Canter, D. (1971). *The Psychology of Place*, Architectural Press, London.
- Cross, Jennifer E. (2001). *What is Sense of Place*, Research on Place & Space Website, 20 Feb. 12 Mar. 2003; <http://www.western.edu/headwtrs/Archives/headwaters_12_papers/cross_paper.html.
- Norberg-Schulz, Christian (1997). *The Phenomenon of place*, Princeton Architectural Press, New York.
- Relph, E. (1976). *Place and Placelessness*, Pion, London.
- Salvesen, David (2002), "The Making of Place"; Research on Place & Space Website, 20 Feb. 2003, 12 Mar. 2003,
- Steele, Fritz (1981). *The Sense of Place*, CBI Publishing Company, Boston.
- Xu, Yan (1995), "Sense of Place and Identity", Research on Place & Space Website; 20 Feb. 2003; 12 Mar. 2003, <http://www.eslarp.uiuc.edu/la/LA437-F95/reports/yards/main.html>.